

## رابطه مقدرات شب قدر با اختیار انسان

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدمحمد اکبریان\*

### اشاره

ارتباط مسأله مقدرات در زندگی انسان با موضوع اختیار و نقش اراده انسان در زندگی، هم به عنوان یک مسأله فلسفی و کلامی مطرح بوده و هم از دغدغه‌های فکری عموم انسان‌ها است و آثار روانی و اخلاقی نیز در زندگی آن‌ها برجای می‌گذارد. از جنبه فلسفی در مسأله رابطه ضروری علت و معلول، در مباحث کلامی در بحث از قضا و قدر و برای عموم انسان‌ها، علاوه بر مسأله قضا و قدر، آیات و روایاتی که در خصوص مقدرات شب قدر وارد شده، پرسش‌هایی را درباره نقش اراده و اختیار انسان در زندگی ایجاد کرده است. چگونه می‌تواند حادثه‌ای در زندگی انسان تعیین شود، یا سرنوشت و خیر و شر او معین باشد، و انسان، اختیار و حق انتخاب در افعال و حوادث زندگی خود داشته باشد؟ اگر همه چیز در شب قدر برای انسان معین شده است، آیا انسان اختیاری در انجام امور خود خواهد داشت؟ آیا انسان می‌تواند در سرنوشت و مقدراتی که تعیین شده، دخل و تصرف کند و آن‌ها را تغییر دهد؟ یا انسان در مقابل آنچه تعیین شده، هیچ دخالتی نداشته و چاره‌ای جز تسلیم ندارد؟ در این صورت، بسیاری از امور و اعتقادات، از جمله تکالیف انسان‌ها در مقابل خداوند و مسئولیت‌پذیری اخلاقی انسان فرو خواهد ریخت.

این نوشتار می‌کوشد رابطه مقدرات شب قدر با اختیار انسان را تبیین نماید. با بررسی این موضوع، به پرسش‌های که بدان اشاره شد، جواب داده خواهد شد.

---

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی.

## معنای قدر و تقدیر

مفسران درباره این که چرا این شب را «شب قدر» گفته‌اند و «قدر» به چه مفهومی است، سه معنا را بیان داشته‌اند:

### ۱. شرف و منزلت

یکی از معانی قدر، شرف و منزلت است. «مرحوم طبرسی» می‌گوید: «از آن رو به این شب، قدر گفته‌اند که دارای شرف و پایه‌ای بلند و شأنی عظیم است؛ مثل این که گویند: مرد دارای قدر؛ یعنی دارای شرف و منزلت. چنان که قرآن می‌فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ»<sup>۱</sup> و خدا را آن طور که باید و شاید، نشناختند و از او قدردانی نکردند.» یعنی عظمت و شأن خدا را آن‌گونه که باید به جا نیاوردند. آن شب را از این رو قدر نامیدند که انسان‌ها با زنده داشتن آن، به قدر و منزلت می‌رسند. برخی گفته‌اند: این شب دارای منزلت است؛ زیرا عبادات در آن، با عظمت است و پاداشی بزرگ دارد. گروهی دیگر نیز گفته‌اند: شب قدر است، چون کتابی گران‌بها بر پیامبری بلندمرتبه و گرامی، برای امتی بلندپایه با دستان فرشته‌ای گران‌قدر نازل شده است.<sup>۲</sup> یا از آن جهت قدر نامیدند که چون مؤمنان و عبادت‌کنندگان در این شب، صاحب شرف و منزلت‌اند.<sup>۳</sup>

### ۲. تنگی و ضیق

از معانی دیگری که برای لفظ «قدر» ذکر شده، معنای ضیق و تنگی است. در بیان سبب آن گفته شده که این شب را از آن رو «قدر» گفته‌اند که زمین به واسطه کثرت فرود فرشتگان در آن شب، تنگ می‌شود.<sup>۴</sup> بدون در نظر گرفتن معنای تنگی و ضیق و ارتباط آن با نزول فرشتگان، اصل این نزول، امری قطعی است؛ اما در این مورد که چرا فرشتگان در این شب به زمین می‌آیند، برخی روایات به ما پاسخ می‌دهند که نزول آنان

۱. انعام، آیه ۹۱.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۷۸۶.

۳. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان فی القرآن، ج ۲۰، ص ۲۳۱.

۴. همان.

بر ولیّ زمان و امام عصر علیه السلام است تا اعمال انسان‌ها را بر آن‌ها عرضه دارند.<sup>۱</sup> این مسأله از طرف امامان معصوم علیهم السلام به عنوان دلیلی بر لزوم وجود امام معصوم در هر عصر و زمانی، به شیعیان تعلیم شده تا با آیاتی که بر نزول فرشتگان در شب قدر دلالت دارند، با مخالفان خود در مورد وجود امام معصوم علیه السلام در هر عصر و زمانی احتجاج کنند؛ زیرا پس از پیامبر، فرشتگان تنها بر انسان معصوم و حجت خدا در هر زمان نازل می‌شوند.<sup>۲</sup> برخی دیگر گفته‌اند که نزول فرشتگان در شب قدر برای سلام بر مؤمنان و دعا برای آنان و قرار گرفتن در کنار ایشان است تا خیر و برکت برای آن‌ها شود.<sup>۳</sup> همچنین گفته شده نزول فرشتگان برای ثبت دعاها و اعمال و عباداتی است که انسان‌ها در این شب به انجام می‌رسانند.<sup>۴</sup>

این معانی، با هم قابل جمع‌اند؛ زیرا فرشتگان بر وجود نازنین امام عصر علیه السلام نازل می‌شوند و بر مؤمنان دعا و رحمت دارند و اعمال‌شان را ثبت و ضبط می‌کنند.

### ۳. تقدیر و اندازه‌گیری

این معنا، بیش از معانی دیگر در روایات دینی به کار رفته و بر آن تأکید گردیده و در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده است، مانند آیه مبارکه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ \* فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»<sup>۵</sup> که ما در آن شب پر برکت نازل کردیم ما همواره اندازه‌کننده بودیم در آن شب که هر امری بر طبق حکمت خداوند تنظیم می‌گردد.» در آیه که اشاره به شب قدر و نزول قرآن در آن شده، به مسأله تقدیر امور عالم - از جمله امور انسان‌ها - اشاره شده است. این تقدیر، اختصاص به شب نزول قرآن در زمان پیامبر ندارد، بلکه همان گونه که مفسران گفته‌اند، لفظ مضارع «يفرق» در آیه دلالت بر استمرار دارد. روایاتی که از امامان علیهم السلام وارد شده، بر همین معنا دلالت دارند. ضمن آن‌که در روایات به اموری که از هم تفریق و تقدیر و اندازه‌گیری و تعیین می‌شوند،

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۵۲.

۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۵، ص ۹۹؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۴۲۸.

۴. تفسیر المظهری، ج ۸، ص ۳۶۷.

۵. دخان، آیه ۳-۴؛ رک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، از ص ۱۴۶ به بعد.

اشاره شده است. امام رضا علیه السلام فرمود: «... يُقَدَّرُ فِيهَا مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَضْرَّةٍ أَوْ مَنَفَعَةٍ أَوْ رِزْقٍ أَوْ أَجَلٍ وَ لِدَلِكِ سُمِّيَتْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ»<sup>۱</sup> در این شب، همه آنچه در سال خواهد بود، تقدیر می‌شود، خیر باشد یا شر، ضرر باشد یا سود، روزی باشد یا مرگ. به همین جهت، شب قدر نامیده شده است.»

### ارتباط تقدیر عام با مقدرات شب قدر

معنای سوم از قدر، با آنچه در مورد تقدیرات عام زندگی بیان می‌شود، ارتباط دارد. بر اساس تقدیر عام، ما انسان‌ها، غیر از مقدرات شب قدر، با نوعی دیگر از تقدیر مواجه هستیم که از آغاز تا پایان زندگی جریان دارد؛ سرنوشتی که از ابتدای تولد انسان‌ها رقم می‌خورد و مربوط به قضا و قدر عام الهی است. بر اساس روایات، در شب قدر تنها مقدرات یک سال تعیین می‌شود؛ اما تقدیر عام، تمام دوران زندگی انسان را در بر می‌گیرد؛ آن گونه که خداوند بیان فرموده، برای هر چیزی قدر و اندازه‌ای قرار داده و آن را تعیین کرده است؛ «... إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۲</sup> خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند. به یقین، برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است» و از جمله آن چیزها، امور مربوط به زندگی انسان‌ها است. اما رابطه این قضا و قدر، با تقدیرات در شب قدر چیست؟ مگر نه این که همه مقدرات انسان‌ها از ابتدا تعیین شده، پس چگونه دوباره تعیین می‌شود؟

مرحوم علامه به این سؤال پاسخ می‌دهد: «امور عالم به حسب قضای الهی، دارای دو مرحله است؛ مرحله اجمال و مرحله تفصیل، و شب قدر بنابر آیه مبارکه مذکور، شبی است که امور از مرحله اجمال به مرحله تفصیل می‌آید.»<sup>۳</sup> بنابراین، آنچه در سرنوشت انسان‌ها به صورت اجمالی در تقدیر عام ثبت شده، در شب قدر به طور مفصل بیان گردیده و به خدمت امام عصر علیه السلام عرضه و ثبت می‌شود.

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۵.

۲. طلاق، آیه ۳.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۳۲.

## رابطه مقدرات زندگی با اختیار انسان

ارتباط مقدرات شب قدر با اختیار انسان، در یک زاویه عام و کلی‌تر، با مسأله تقدیر عام الهی با اختیار انسان ارتباط می‌یابد؛ بنابراین هر پاسخی که در مسأله دوم به آن دست یابیم، موضع ما را در مسأله اول تعیین خواهد کرد.

اگر سرنوشت انسان با تقدیر عام تعیین شده است، پس نقش اختیار و اراده انسان در تعیین سرنوشت چیست؟ این یکی از سؤالات بسیار مهم در زندگی انسان است و پاسخ‌های متعددی نیز برای آن بیان شده است. یکی از پاسخ‌های که اندیشمندان اسلامی ارائه داده‌اند و با ظاهر آیات و روایات دینی نیز هماهنگی دارد، این است که: تقدیر الهی بر اساس شرایط و علل خاصی تعیین می‌شود که در مورد افعال، اختیار و اراده انسان، یکی از آن شرایط و علل است؛ یعنی خداوند مقدر نموده، عمل و رفتاری از انسان با وجود اسباب و علل آن محقق شود و یکی از آن اسباب و علل، اراده و انتخاب عمل از سوی انسان است. در این صورت، اگر اراده و انتخاب انسان به آن عمل تعلق نگیرد، یکی از شرایط و اسباب آن عمل محقق نشده و در نتیجه، آن عمل نیز مقدر نخواهد بود. در این صورت، تقدیر الهی، نه تنها با اراده و اختیار انسان منافات ندارد، بلکه تأییدکننده اختیار است؛ چون اختیار و انتخاب انسان، جزئی از مقدرات و داخل در آن است؛ به عبارت دیگر، تقدیرات الهی، رابطه علت یک پدیده با معلول آن است و هنگامی علت تحقق یابد، معلول نیز تحقق می‌یابد و در مورد اعمال انسان‌ها، علت اعمال و رفتارهای ارادی و اختیاری آن‌ها، یا حداقل یکی از علل آن، اراده خود انسان‌ها است و چون در علم ازلی، علت‌های هر پدیده‌ای و از جمله رفتارهای انسان معلوم و مشخص است، بر همان اساس، رفتار انسان‌ها و نیز با توجه به نقش اراده انسان‌ها، تقدیر شده و مشخص است. بر همین اساس، می‌توان گفت: سنت الهی آن است که هر چیزی در صورت وجود علت خود، تحقق یابد و چون علت عمل اختیاری انسان، اراده خود انسان است، پس حتماً بر طبق سنت الهی، عمل با اختیار انسان صورت خواهد گرفت و علم ازلی خداوند و سنت الهی، در تأیید اختیار انسان است؛ نه در مقابل آن.

البته گاهی ممکن است که اراده انسان بر عملی تغییر یابد که در تقدیر الهی این تغییرات نیز ثبت و ضبط شده است: گاهی انسان عمل و رفتاری انجام می‌دهد که

موجب تغییر در قضا و قدر الهی می‌شود. در چنین صورتی تقدیر انسان بر اساس همین رفتار تعیین شده است. در این صورت، می‌توان گفت که انسان فقط یک تقدیر و سرنوشت ندارد، بلکه سرنوشت‌های گوناگونی در پیش دارد که ممکن است هر کدام از آن‌ها جانشین دیگری گردد. در تعیین و حتمی شدن، یکی از آن‌ها، اراده شخص تأثیر جدی دارد؛ مانند آن‌که اگر انسان بیمار شود، سرنوشت او بستگی به درمان دارد، اگر اقدام کند، ممکن است معالجه شود و اگر اقدام نکند، از بین می‌رود. حتمی شدن یکی از آن دو، به اختیار خودش می‌باشد و هر کدام را انتخاب کند، همان مقدر شده است؛ بنابراین، انسان‌ها با تقدیرهای متعددی روبه‌رو هستند که تحقق یکی از آن تقدیرها با اراده خود آن‌ها است.

امام علی علیه السلام از پای دیوار کجی برخاست و کنار دیوار دیگری نشست. کسی گفت: آیا از قضا الهی فرار می‌کنی؟ پاسخ داد: از قضای خدا به قدر وی فرار می‌کنم.<sup>۱</sup> یعنی من با دو تقدیر مواجه هستم که هر دو تقدیر الهی است؛ اما هر کدام را که انتخاب کنم، نتیجه خود را خواهد داشت؛ یکی نتیجه ناگوار و مضر و دیگری نتیجه خوب و مفید خواهد بود. من آن را انتخاب می‌کنم که برایم ضرر و زیان نداشته باشد.

با این توضیح، هنگامی که به سراغ روایات می‌رویم و سخن از تغییر قضا و قدر الهی با اعمال انسان‌ها به میان می‌آید، معنای آن‌ها برای ما روشن خواهد بود. در روایتی که به نقش دعا اشاره کرده آمده است: «الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِبْرَامًا»<sup>۲</sup> دعا، قضای الهی را بر می‌گرداند، پس از آن‌که استوار شده است. «دعا، فعل و عملی از انسان است، مانند بسیاری از افعال نیک و بد که در قضا و قدر الهی تأثیر می‌گذارد و این بدان معنا است که در صورتی که تقدیری بر انسان ثابت شد، دعا می‌تواند تقدیر الهی را بر گرداند؛ اما معنای آن چنین نیست که دعا در مقابل قضا و قدر الهی است؛ بلکه دعای انسان، جزئی از تقدیرات الهی است که جانشین تقدیر دیگری شده که پیش از آن تثبیت شده بود. در واقع، می‌توان گفت که در چنین مواردی، سنت و قانون تقدیرات

۱. صدوق، توحید، ص ۳۶۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰.

الهی تغییر نیافته، بلکه تقدیری در جای تقدیر دیگر قرار گرفته است و قانون و سنت‌های الهی هیچ گاه تغییر نمی‌یابد.

در یک قاعده کلی، نه تنها دعا، بلکه هر عمل خوب و بد، جزئی از تقدیرات الهی است که با آن‌ها مقدرات انسان رقم می‌خورد. در روایات، علاوه بر دعا، امور دیگر مانند: صلہ رحم، قطع رحم، صدقات، نیکی به پدر و مادر و دیگران، یا آزار و اذیت انسان‌ها بیان شده که تقدیرات خوب و بد انسان‌ها را رقم می‌زنند یا تغییر می‌دهند.

### مقدرات شب قدر، تأییدی بر اختیار انسان

بنابر آنچه علامه طباطبائی رحمته‌الله بیان نموده بود، در شب قدر، مقدرات عام از مرحله اجمال به مرحله تفصیل در می‌آید و بر همین اساس و با توجه به آنچه در مورد رابطه تقدیر عام زندگی با اختیار انسان بیان شد، رابطه مقدرات شب قدر با اختیار انسان نیز دانسته می‌شود. همان گونه که تقدیر عام با اختیار انسان منافات ندارد، تعیین شدن مقدرات شب قدر نیز با اختیار و انتخاب انسان منافات نخواهد داشت؛ زیرا در این‌جا نیز تعیین سرنوشت انسان‌ها با قید اختیار انسان‌ها در اعمال‌شان و بر اساس عملکرد آن‌ها در طول سال تعیین می‌شود. از این رو نقش اعمال انسان‌ها، در هر دو نوع تقدیر یکسان خواهد بود. نقش شب قدر و مقدرات آن را از زاویه دیگر در ارتباط با اختیار انسان نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. از این زاویه، نه تنها بین آن‌ها منافات نیست، بلکه وجود شب قدر و تعیین مقدرات در آن، به نوعی تأییدکننده نقش اختیار و اعمال انسان‌ها در تعیین سرنوشت او است.

در آیات و روایات، ما با دو مسأله در مورد شب قدر مواجه هستیم. مسأله اول تعیین مقدرات در شب قدر که برخی از آن‌ها را بیان کردیم و مسأله دوم تأکید بر انجام اعمال عبادی در این شب است. پیش‌تر از نقش اعمال انسان در تعیین سرنوشت او سخن گفتیم و از آن‌جا که روایات بر انجام اعمال عبادی تأکید دارند، پس می‌توان گفت که روایات ما را متوجه نقش اعمال عبادی در تعیین مقدرات شب قدر می‌کنند و از سوی دیگر، تقدیر عامی داریم که بر تمام زندگی انسان‌ها سایه افکنده است و در عین حال، روایات، ما را متوجه تقدیرات شب قدر ساخته است و این بدان معنا است که انسان می‌تواند در شب قدر مقدراتی برای خود تعیین نماید که پیش از این نبوده، یا

آنچه را که پیش‌تر تعیین شده بود، تغییر دهد؛ بنابر آنچه در تغییر تقدیر عام بیان شده است؛ یعنی انسان می‌تواند با دعا و اعمال عبادی از خداوند طلب کند که در طول سال بهترین مقدرات برای او تعیین شود یا آنچه به جهت کارهای سوء در زندگی در تقدیر عام تعیین شده، با انجام کارهای نیک آن‌ها را تغییر داده و تقدیرات نیک و خیر در زندگی او تعیین شود. اگرچه این نقش دعا و اعمال عبادی، تنها در شب قدر نبوده و در تمام دوران زندگی انسان وجود دارد، اما به دلایلی که ذکر می‌شود، شب قدر و اعمال آن با روزهای دیگر زندگی متفاوت می‌باشد:

**الف.** در مورد هیچ یک از ایام و شب‌ها در سال به طور خاص از تعیین مقدرات در آن‌ها سخن گفته نشده است؛ اما در مورد شب قدر چنین گفته شده است. در واقع، شب قدر، نقطه عطفی در زندگی است.

**ب.** اعمال و عبادات ویژه و خاصی برای این شب بیان شده که در مورد شب‌های دیگر سال بیان به این صورت نیست ایام دیگر، اعمال خاص خود را دارند.

**ج.** شعاع تأثیر و ارزشمندی اعمال در این شب‌ها، فراتر از اعمال در شب‌ها و روزهای دیگر سال است. از همین رو، تأثیر آن‌ها در سرنوشت انسان‌ها نیز فراتر از اعمال در دیگر روزهای سال است.

با توجه به آنچه در خصوص قضا و قدر عام الهی و ارتباط آن با اراده و اختیار انسان بیان شد، رابطه مقدرات شب قدر با اختیار انسان نیز روشن می‌شود. در واقع، این مسأله که علاوه بر تقدیر عام الهی، در روایات آمده که در شب قدر نیز مقدرات انسان تعیین می‌شود، نه تنها منافاتی با اختیار و دخالت انسان در تعیین سرنوشت خود ندارد، بلکه همین موضوع دلیل و شاهی بر دخالت نقش انسان در تقدیر و سرنوشت خود است و بیانگر آن است که انسان می‌تواند تقدیراتی مثبت در شب قدر برای خود تعیین نماید و از خداوند بخواهد که بهترین تقدیرات را در شب قدر برای او مقدر نماید، یا از خدا بخواهد مقدراتی که به جهت اعمال سوء او در گذشته رقم خورده، از دفتر قضای و قدر الهی پاک شده و تقدیرات خوب جایگزین آن‌ها شود. بنابراین، مقدرات شب قدر بنابر آنچه در روایات دینی بیان شده، نه تنها در تقابل با اختیار انسان در تعیین سرنوشت او نیست، بلکه تأییدکننده آن است.



## شواهد اختیار انسان در این بحث

علاوه بر آنچه بیان شد، دلایل و شواهدی از منابع دینی در مورد شب قدر وجود دارد که به طور ضمنی (تضمنی یا التزامی)، بر نقش اختیار و تأثیر اعمال انسان در شب قدر دلالت دارند. از این دلایل و شواهد چنین استنباط می‌شود که اگر انسان در تعیین مقدرات خود نقشی نداشته باشد، وجود آن‌ها نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد. نمونه و موارد زیر، از این دلایل و شواهد می‌باشند:

### ۱. تجربه‌ها و دریافت‌های شخصی

بسیاری از مؤمنان، تغییرهای معنوی و دگرگونی‌هایی را در شب قدر در خود احساس می‌کنند. این تغییرها که از ناحیه راز و نیاز و مناجات با خدا حاصل شده، به گونه‌ای است که رفتارهای آنان را حتی در طول یک سال آینده تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و از آن برای زندگی آینده خود بهره می‌برند. این نتایج شب قدر، اگرچه برای مؤمنان متفاوت است، اما کم و بیش همه این احساس را در درون خود تجربه می‌کنند و آثار آن را درک می‌کنند. این حالات، نشانگر آن است که در شب قدر انسان با راز و نیاز و مناجات می‌تواند در زندگی خود تأثیر گذارد.

### ۲. پاداش بسیار برای شب قدر

خداوند متعال با نزول سوره‌ای خاص و افزایش ثواب اعمال نشان داد که اعمال صالح در سرنوشت و زندگی انسان اثر دارد. معنای این امر آن است که انسان‌ها در تعیین سرنوشت و اعمال خود نقش دارند. فردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: مراد و مقصود از این که شب قدر بهتر از هزار ماه است، چیست؟ حضرت فرمودند: «الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَأَنْوَاعِ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ کار شایسته از قبیل: نماز و زکات، صدقات و انفاقات و انواع خوبی‌ها در آن شب برتر از هر کار شایسته‌ای است که در مدت هزار ماه که شب قدر در آن نیست، انجام شود.»

آیا می‌تواند عمل انسان در شب قدر این همه ارزش داشته باشد، در حالی که هیچ تأثیری در سرنوشت و مقلّرات انسان نداشته باشد؟ اگر نزول قرآن و فرشتگان در این شب و پاداش چند برابر، تأثیری در سرنوشت آدمی نداشت، چرا باید انسان از آن‌ها آگاه شده و به انجام اعمال و راز و نیاز با خدا بپردازد؟ می‌دانیم که کار بیهوده، حتی از افراد عادی و معمولی، پسندیده نیست؛ چه رسد به پروردگار آسمان و زمین که هیچ کاری را بدون حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد. خداوند با شناساندن ماه رمضان، ما را به عوامل مهم خودسازی، هدایت و تأمین سعادت دعوت کرد. این امر، تأثیرگذاری اعمال بر سرنوشت انسان را نشان می‌دهد.

### ۳. تشویق به تلاوت قرآن و دعا

از جمله اعمالی که در شب‌های قدر بسیار بر آن سفارش و تأکید شده، خواندن دعا‌های روایت شده و راز و نیاز با خدا است. این دعاها علاوه بر تأثیری که از نظر معنوی بر روح و جان انسان می‌گذارند، نقش عمل و رفتارهای انسان را در زندگی او نمایان می‌کنند. به همین دلیل به دعا در شب‌های قدر - که یک کار اختیاری است و در سرنوشت افراد دخالت دارد - سفارش اکید شده است.

### ۴. نکوهش بهره‌نبردن از شب قدر

روایاتی بسیاری در نکوهش بهره‌نبردن از شب قدر وارد شده است؛ از جمله پیامبر گرامی ﷺ فرمود: «مَنْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛<sup>۱</sup> کسی که به شب قدر برسد، اما آمرزیده نشود، خداوند او را از رحمت خود دور کرده است.» مقصود این است که شخص عملی انجام ندهد که موجب آمرزش او شود. انجام اعمالی که موجب آمرزش می‌شود، انسان را به خدا نزدیک و ترک آن اعمال، او را از خداوند دور می‌کند. این حدیث، نقش انسان را در تعیین سرنوشت او آشکار می‌کند و معلوم می‌شود که بدبختی و شقاوت مقلّر در شب قدر، نتیجه کار خود بندگان است. روایات، بعضی از گناهان را مانع بهره‌برداری گناهکار از شب قدر دانسته‌اند؛ از جمله آن‌ها، می‌خوارگی و آزار پدر و مادر است.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۶۱.

## ۵. انجام اعمال پیش از شب قدر

در سیره و گفتار معصومان مشاهده می‌کنیم که اعمالی را انجام می‌دادند، یا به آن سفارش می‌کردند که سبب درک شب قدر و اعمال آن می‌شود؛ از جمله در سیره امام زین العابدین علیه السلام می‌خوانیم: «كَانَ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ تَصَدَّقَ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَيَقُولُ لَعَلَّ يُصِيبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛ هرگاه ماه رمضان وارد می‌شد، در هر روز ماه مبارک یک درهم صدقه می‌دادند، آن‌گاه می‌فرمود: شاید با این کار، شب قدر را دریابم و از آن بهره گیرم.»

چنین روایاتی بیانگر آن است که برای انسان موقعیت‌هایی وجود دارد که در تعیین سرنوشت او تأثیرگذار است. انسان باید از این موقعیت‌ها استفاده کند؛ زیرا شب قدر، شب تعیین سرنوشت و فراهم آوردن موقعیت است؛ مثلاً انسان با عملی مانند صدقه و کار نیک می‌تواند این موقعیت را فراهم نماید. کمک به دیگران و دستگیری از آنان، از کارهای بسیار ارزشمندی است که در سیره امامان علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن روبه رو می‌شویم.

عبدالله بن مسعود روایت می‌کند: شبی رسول خدا از نماز عشا فارغ شد. مردی از میان صفوف برخاست و گفت: ای مهاجران و انصار، مردی غریبم و بر هیچ چیز قدرت ندارم. مرا طعامی دهید. رسول خدا گفت: ای فقیر، ذکر غریب مکن که دل مرا اندوهگین ساختی. بعد از آن فرمودند: غریبان، چهار گروه هستند:

۱. مسجدی که در میان قومی باشد که در آنجا نروند و نماز نخوانند.
۲. مصحف و قرآنی که در خانه‌ای باشد و مردم آن خانه از آن تلاوت نکنند.
۳. عالمی که در میان جماعتی باشد و ایشان تفقد وی نکنند و از او مسائل دینی سؤال نکنند.
۴. اسیران اهل اسلام که در میان کفار باشند.

سپس فرمود: کیست که مؤونه و غذای این مرد را کفایت کند تا در فردوس اعلا خدا او را جای دهد؟ حضرت علی علیه السلام برخاست و دست سائل را گرفت و به حجره فاطمه زهرا علیها السلام رفت و گفت: ای دختر رسول خدا، در کار این میهمان نظری کن. حضرت زهرا فرمود: در خانه طعام اندکی موجود است و حسن و حسین گرسنه‌اند و

شما روزه دارید و آن طعام یک نفر را بیشتر کفایت نمی‌کند. علی علیه السلام فرمود: آن را حاضر کن.

فاطمه علیها السلام طعام را پیش آورد. حضرت امیر آن طعام را پیش میهمان نهاد و با خود گفت که اگر من از این طعام بخورم، میهمان را کافی نباشد و اگر نخورم، سبب خجالت میهمان شود. پس دست دراز کرد به سوی چراغ و چنان نشان داد که چراغ را اصلاح می‌کنم و آن را خاموش کرد و به فاطمه علیها السلام فرمود: در روشن کردن چراغ دیگر تعلق کن تا میهمان از خوردن غذا فارغ شود و خود حضرت دهان را می‌جنباند تا مهمان تصور کند که علی غذا می‌خورد. چون میهمان از غذا خوردن فارغ شد، فاطمه علیها السلام چراغ را آورد و طعام همچنان بر جای بود. امیر مؤمنان فرمود: ای فقیر، چرا طعام خود را نخوردی؟ گفت: سیر شدم. پس علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام و فضه و همسایگان از آن طعام خوردند و هنوز باقی بود.<sup>۱</sup>

### شب قدر و مقدرات هر روز زندگی

آنچه تاکنون بیان شد، در مورد تقدیر عام انسان بود که برای تمام عمر و زندگی انسان‌ها مشخص شده و تقدیراتی که در شب قدر برای انسان‌ها معین می‌شود؛ اما علاوه بر آن‌ها، انسان‌ها می‌توانند هر روز در سرنوشت و تقدیر زندگی خود دخالت کرده و آن را تعیین کنند؛ یعنی همان‌گونه که با تقدیر عام، انسان خود را مجبور احساس نمی‌کند و با اعمالی در شب قدر بهترین سرنوشت‌ها را برای خود از خدا طلب می‌کند، در مقابل با سرنوشتی که در شب قدر برای او تعیین شده نیز دست بسته و بی‌اختیار و اراده نیست؛ زیرا سرنوشت انسان در هر لحظه از زندگی او با اعمالی که انجام می‌دهد، در حال تعیین شدن یا تغییر یافتن است. در روایات نیز به این امر اشاره شده است: «ادْعُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ؛<sup>۲</sup> خدای بلند مرتبه را بخواهید و نگویند که کار از کار گذشته است.»

۱. کاشانی، ملافتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۹، ص ۲۲۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

اینک، سؤالی که ممکن است که در این جا طرح شود این است که اگر انسان در تعیین سرنوشت خود در هر لحظه از زندگی نقش دارد، پس چرا این همه در مورد شب قدر و تعیین سرنوشت در آن تأکید شده است؟

پاسخ آن با پی‌گیری روایتی از امام باقر علیه السلام فراهم می‌شود. حضرت در پاسخ به این پرسش که چرا شب قدر این همه دارای فضیلت و با پاداش بسیار همراه است، می‌فرماید: «لَوْ لَمَا يُضَاعِفُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَّغُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُضَاعِفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ بِحُبِّنَا؛ اگر خداوند کارهای مؤمنان را چند برابر نکند، به سر حد کمال نمی‌رسند؛ اما خداوند به محبت ما، کارهای نیکوی آن‌ها را چند برابر می‌نماید.»

بر طبق آنچه تاکنون بیان شد، آشکار شد که این اعمال انسان‌ها است که سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کند و هر عمل خیر که بهتر و ارزشمندتر باشد، نقش آن در رقم خوردن سرنوشت خوب برای زندگی نیز بیشتر خواهد بود و چون به جهت لطف و عنایت خداوند، ارزش اعمال نیک در شب قدر بیشتر و دوچندان می‌شود، تأثیر آن نیز افزون‌تر خواهد بود و اگر ارزش آن به اندازه هزار ماه است، تأثیر آن نیز به همین میزان خواهد بود. بنابراین، بر شب قدر و ارزش نهادن و از دست ندادن آن و بیان نقش آن در تعیین سرنوشت، به همین اندازه تأکید شده است.

پاسخ به سؤال را از جهت دیگری نیز می‌توان بررسی کرد و آن این که اعمال شب قدر، نه تنها دارای ارزش ذاتی هستند و از همین جهت، در تعیین مقدرات شب قدر نقش دارند، بلکه در جهت دادن به اعمالی که انسان‌ها در طول زندگی یک سال خود انجام می‌دهند نیز تأثیرگذارند. بزرگانی بوده‌اند که در شب قدر چنان به خدا نزدیک می‌شدند که خود را برای یک سال بیمه می‌کردند.

در واقع، می‌توان گفت که این یک کلاس آدم‌سازی است که خدای متعال فراهم کرده است. مدرسه‌هایی که برای رشد دانش‌آموزان، برنامه‌های دقیق ترسیم می‌کنند، هم در کلاس دانش‌آموزان را امتحان می‌کنند، هم امتحانات هفتگی و ماهانه و هم در سال یک امتحان نهایی دارند. گفتن این که شما در تمام طول زندگی در امتحان هستید و امتحان نهایی نقش اساسی دارد، این موضوع، افراد را وادار می‌کند که خود را آماده کنند تا از امتحان سربلند بیرون بیایند. خدای متعال، این عالم را برای بشر به عنوان

مدرسه و کلاس قرار داده است؛ «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»<sup>۱</sup> و این مقصد در امتحانات سالانه، بیشتر عملی است؛ زیرا یک امتحان نهایی است که سرنوشت یکسال بعد، با آن رقم می خورد. انسان به خدای خود عرضه داشت:

«خدایا! می خواهم به تو نزدیک شوم. فرمود: قرب من برای کسی است که شب قدر بیدار باشد. گفت: خدایا! رحمتت را می خواهم. فرمود: رحمت من از آن کسی است که در شب قدر به مسکینان رحمت کند. گفت: خدایا! جواز گذشتن از پل صراط را می خواهم. فرمود: آن، برای کسی است که در شب قدر صدقه ای بدهد. گفت: خدایا! از درختان و میوه های بهشتی می خواهم. فرمود: آن ها برای کسی است که در شب قدر مرا به پاکی یاد کند. گفت: خدایا! رهایی از آتش جهنم را می خواهم. فرمود: آن برای کسی است که از گناهانش در شب قدر استغفار کند. گفت: خدایا! خشنودی تو را می خواهم. فرمود: خشنودی من از آن کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بخواند.»<sup>۲</sup>

### منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. کلینی رازی، ابوجعفر، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۳. ابن طائوس، إقبال الأعمال، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۵. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.

---

۱. ملک، آیه ۲.

۲. قمی، شیخ عباس، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۸۶.

۸. ابن كثير دمشقى، اسماعيل بن عمرو، تفسير القرآن العظيم، بيروت: منشورات محمدعلى بيضون، ۱۴۱۹ق.
۹. شيخ صدوق، التوحيد، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۹۸ق.
۱۰. \_\_\_\_\_، عيون أخبار الرضا عليه السلام، بي جا، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۱. كاشانى، ملا فتح الله، تفسير منهج الصادقين فى الزام المخالفين، تهران: كتابفروشى محمدحسن علمى، ۱۳۳۶ش.